

# چراغی رو به روشنایی

(قسمت دوم)

## سیری در نمایش نامه‌های کودک و نوجوان دهه ۵۰

نسرین اسدی

اشاره:

در شماره قبل، عنوان شد که پس از تلاش‌های معدود افرادی چون جبار باغچه‌بان، علینقی وزیری و جنتی عطایی در دهه ۳۰ و قبل از آن، دیگر نمایش نامه‌ای برای کودکان و نوجوانان و یا تحت این عنوان به چاپ نرسید.

در سال ۱۳۵۱، مرکز تولید تأثیر کانون پرورش فکری، در پارک لاله و با مدیریت

«دان لاجر لافون» افتتاح و پس از

آن، به تأثیر کودک و نوجوان توجه ویژه‌ای شد. در بخش اول، مروری داشتیم بر مجموعه نمایش نامه‌های ایرج جنتی عطایی، در کتاب «نمایش نامه‌های مدارس» که در دهه ۳۰ به چاپ رسید. پس از سکوت ده ساله نمایش نامه‌نویسی برای کودکان و نوجوانان، اینک در بخش دوم، نمایش نامه‌های چاپ شده در دهه ۵۰ را مرور می‌کنیم.



نمایش نامه‌های چاپ شده کودک

و نوجوان در دهه ۵۰

۱- نمایش نامه «دونده تنها»، نوشته

محسن یلفانی، در سال ۱۳۵۲ توسط

انتشارات «ما»، در قطع رقعی به چاپ

رسید. این نمایش نامه، در ۱۵ صحنه و ۱۱۳

صفحه، با موضوع سرگذشت معلمی فقیر که

به دلیل سیاسی بودن از مدرسه اخراج می‌شود، نوشته شده است. زمان وقوع آن، معاصر و مکان آن

در کلاس درس، خانه رحیم (معلم) و کافه رخ می‌دهد.

رحیم، معلم «علوم اجتماعی» در یک مدرسه ملی است. او به تازگی وارد تهران شده و در مدرسه

تدریس می‌کند. دانش‌آموزان به او اهانت و بی‌حرمتی می‌کنند. او در شهرستان، در مدرسه مورد

احترام همه دانش‌آموزان بود و خلاف دیگر معلمان، به فکر کسب درآمد بیشتر و تدریس خصوصی



نمایش نامه، به شیوه نمایش در نمایش نوشته شده است و شخصیت‌های آن عبارتند از: پدر، مادر، پروین، پرویز، مرد اول، مرد دوم، انوشیروان، بزرگمهر و مرد سوم.

۳- نمایش نامه «مرده‌ها را اگر چال نکنیم»، نوشته ناصر ایرانی، در سال ۱۳۵۶ توسط نشر آگاه، در قطع رقعی به چاپ رسید. این نمایش نامه، در ۶ صحنه و ۸۴ صفحه نوشته نشده است. موضوع آن درباره مردی است که به دلیل خشم و نادانی، فرزندش را به قتل می‌رساند.

زمان این نمایش نامه، معاصر و مکان وقوع آن میدان شهر، خانه مرتضی مقدم، خانه گودرز رحمانی و خیابان است. شخصیت‌های آن عبارتند از: مرتضی مقدم، حسین مقدم، مصطفی مقدم، محسن طاهری، گودرز رحمانی، افراد ناشناس، فرهاد اعتماد، مأموران، تهمینه، حیدر عامری، ابراهیم خرمند، مرد خیرخواه اول و دوم و پیشخدمت.

مرتضی مقدم، روزگاری پهلوانی محبوب و قدرتمند در محله قدیمی خود بوده است. مرتضی با پسرش حسین که او هم پهلوان است، مدام درگیری دارد؛ به طوری که روزی در میدان شهر با هم گلاویز می‌شوند و مرتضی با چاقو، زخمی بر بازوی پسرش وارد می‌آورد. با وجود این، حسین که از

پدر قوی‌تر است، او را شکست می‌دهد و چاقو را برمی‌دارد، اما پشیمان می‌شود و پدرش را نمی‌کشد. حسین نزد عمویش مصطفی می‌رود و می‌گوید قصد دارد با پدرش آشتی کند. مصطفی هم به نزد گودرز رحمانی که مرد بسیار خوش سیرتی است، می‌رود و از او کمک می‌خواهد. گودرز به مصطفی و یارانش می‌گوید که با فرزندان خود درگیر نشوند. او معتقد است آن‌ها دشمن همدیگر نیستند، بلکه دشمن مشترکشان مأموران حکومتی هستند و آن‌ها باید با یکدیگر علیه دشمنشان متحد شوند. مرتضی از سخنان گودرز دلگیر می‌شود و خانه او را ترک می‌کند. در راه فرهاد، یکی از دوستان حسین (پسرش) را می‌بیند و بدون هیچ بهانه‌ای با او درگیر می‌شود و فرهاد را با چند ضربه چاقو، به قتل می‌رساند. دو مأمور که شاهد این صحنه هستند، با فریاد مردم را مطلع می‌کنند. حسین از منزل بیرون می‌آید

و جنازه فرهاد را می‌بیند و از شدت خشم و کینه با پدر گلاویز می‌شود. پدر هم که به دلیل قتل فرهاد گیج و سردرگم است، با چند ضربه چاقو، حسین را هم می‌کشد.

مأموران پلیس محل را محاصره می‌کنند. مرتضی از غم قتل دو پسر جوان، به سوی مأموران حمله می‌کند و مأموران هم او را با شلیک گلوله می‌کشند.

گودرز، رحمان و دیگر افراد بر سر جنازه آن‌ها قسم می‌خورند که با هم علیه دشمن مشترکشان، یعنی مأموران حکومتی متحد شوند و به پا خیزند.

این نمایش نامه، بازنویسی یک اسطوره کهنه است: داستان رستم و سهراب و کشته شدن سهراب به دست پدرش. این نمایش نامه در فضای معاصر و با شخصیت‌های امروزی شکل می‌گیرد، اما حوادث آن از منطق درستی برخوردار نیست و شخصیت‌ها بدون دلیل و منطق باورپذیر، اعمالی انجام می‌دهند.

۴- نمایش نامه «گرگ خسته»، نوشته میرزا آقا عسگری (مانی)، در سال ۵۶ توسط انتشارات کانون فرهنگی و هنری نسترن، در یک صحنه و ۳۵ صفحه و با قطع خستی به چاپ رسیده است.

شخصیت‌های این نمایش نامه شامل قسه‌گو، چوپان، میش چاق و چله - گرگ. میش ۲، میش ۳، میش ۴ و میش ۵ و موضوع آن درباره اتحاد گوسفندها و ایستادگی‌شان در برابر گرگ است.



چوپان وقتی می‌بیند خطری گوسفندهایش را تهدید نمی‌کند، برای رفع خستگی به رودخانه می‌رود تا شنا کند. یکی از گوسفندان به نام «میش چاق و چله»، از گله جدا می‌شود و با گرگ برخورد می‌کند. سپس با تلاش بسیار خودش را به گله می‌رساند و به بقیه گوسفندها اطلاع می‌دهد که گرگ در کمین است. گوسفندها برای مبارزه با گرگ، هر یک پشت درختی پنهان می‌شوند و به نوبت گرگ را صدا می‌زنند و خودشان را به او نشان می‌دهند. گرگ هم برای شکار میش، مدام از این سمت به آن سمت می‌دود، اما نمی‌تواند هیچ کدام را شکار کند. گرگ خسته نقش زمین می‌شود، میش‌ها به او حمله می‌کنند و گرگ بی‌هوش روی زمین می‌افتد.

در مقدمه، این کتاب مناسب گروه سنی کودک و نوجوان ذکر شده است، اما به نظر می‌رسد نمایش‌نامه بیشتر برای گروه سنی «ب» (نیمه اول دبستان) مناسب باشد.

۵- نمایش‌نامه «کوتی و موتی»، نوشته بیژن مفید، در سال ۱۳۵۷ توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در قطع خشتی به چاپ رسیده است. این نمایش‌نامه، در سه صحنه و ۲۵ صفحه نوشته شده است و شخصیت‌های آن الاغ، کوتی، موتی، مادر کوتی، مادر موتی، پدر کوتی، پدر موتی و گاو است.

کوتی و موتی، دو خرگوش هستند. آن‌ها در جنگل همدیگر را ملاقات و سپس با یکدیگر ازدواج می‌کنند. کوتی و موتی برای تماشاگران تعریف می‌کنند چطور در جنگل باهم آشنا شدند.

وقتی کوتی، برای اولین بار موتی را نزدیک چشمه می‌بیند، به موتی می‌گوید که چشمه متعلق به خانواده آن‌هاست و پلنگ را عموی خودش معرفی می‌کند.

موتی ابتدا می‌ترسد، اما او هم شیر را دایی خود معرفی می‌کند. آن‌ها به هم علاقه‌مند می‌شوند و خانواده موتی، به خواستگاری کوتی می‌رود، اما خانواده هر دو آن‌ها از این که آن دو درباره عمو و دایی‌شان

دروغ گفته‌اند، ناراحت هستند. خانواده کوتی تصمیم می‌گیرد الاغ را به شکل پلنگ رنگ کند و به عنوان عموی کوتی به عروسی بیاورد. خانواده موتی هم روی سر گاو، کاکل ذرت می‌گذارد و به نام دایی موتی، او را به عروسی دعوت می‌کند تا خانواده عروس متوجه دروغ موتی نشود، در روز عروسی هر دو خانواده که شیر و پلنگ خانواده دیگر را واقعی تصور می‌کنند، از آن‌ها کمی می‌ترسند. الاغ و گاو هم از یکدیگر می‌ترسند، چون هر یک تصور می‌کنند آن دیگری واقعی است.

ناگهان باران می‌بارد و رنگ پلنگ و شیر پاک می‌شود کاکل دور سر شیر کنده می‌شود. الاغ و گاو با دیدن هم خوشحال می‌شوند. کوتی و موتی از دروغی که به هم گفته‌اند، پشیمان می‌شوند و از گاو و الاغ عذرخواهی می‌کنند.

کوتی و موتی در قالب طنز و با شخصیت‌های حیوانی، به بیان مسایل آموزشی می‌پردازد. نمایش‌نامه طرح محکم و کاملی دارد و از عناصر طبیعی، برای پیشبرد ماجراها به خوبی استفاده شده است.

این نمایش‌نامه، اولین بار در سال ۱۳۵۲، در کتابخانه پارک لاله اجرا شد.

۶- نمایش‌نامه «تاج برداری»، در سال ۱۳۵۸ توسط انتشارات الهام، در یک صحنه و ۱۷ صفحه به چاپ رسید. وقایع این نمایش‌نامه در کاخ پادشاه می‌گذرد و موضوع آن در مورد قیام مردم و سقوط شاه ظالم است. شاه روی تخت خود نشسته و شیطان هم در سمت راست او ایستاده است. مشاور اول، نزد شاه می‌رود و درباره وجود دشمن با او صحبت می‌کند. او معتقد است دشمن واقعی پادشاه،

## پس از انقلاب

سال ۱۳۵۷،

بیشتر آثار

چاپ شده نمایشی

برای کودکان و

نوجوانان،

حوادث انقلاب ۵۷ و

درگیری مردم و

حکومت را بیان می‌کنند

و به طور مستقیم،

به طرح مسایل انقلاب

و مبارزات انقلابی

مردم می‌پردازند.

تاج‌برداری «نیز

با همین مضمون

نوشته شده است.

به همین دلیل،

تحت تأثیر فضا و

موقعیت خاص زمانی،

نمایش‌نامه‌ای شعاری

است و مستقیماً

به بیان اندیشه و

اعتقادات نویسنده

می‌پردازد.



حقیقت است و او حقیقت را نمی‌تواند نابود کند.

شاه ناراحت می‌شود و مشاور اول را مرخص می‌کند. مشاور دوم نزد شاه می‌رود. او اسامی تعدادی از خرابکاران و مخالفان حکومت را برای شاه می‌خواند. صدای شعارهای مردم علیه شاه به گوش می‌رسد. شیطان بر خود می‌لرزد و شاه مشاور سوم را به نزد خود می‌خواند. مشاور سوم پیشنهاد می‌دهد آن‌ها به عده‌ای پول دهند تا به نفع سلطنت تظاهرات کنند، اما شعارهای مردم در بیرون کاخ، با صحبت‌های مشاور سوم در داخل کاخ هماهنگ است و مردم با شعارهای شان، پاسخ مشاور سوم را می‌دهند. مشاور سوم از ترس فرار می‌کند، مردم به کاخ حمله می‌کنند و تاج را از سر پادشاه برمی‌دارند.

پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، بیشتر آثار چاپ شده نمایشی برای کودکان و نوجوانان، حوادث انقلاب ۵۷ و درگیری مردم و حکومت را بیان می‌کنند و به طور مستقیم، به طرح مسایل انقلاب و مبارزات انقلابی مردم می‌پردازند. این نمایش‌نامه نیز با همین مضمون نوشته شده است. به همین دلیل، تحت تأثیر فضا و موقعیت خاص زمانی، نمایش‌نامه‌ای شعاری است و مستقیماً به بیان اندیشه و اعتقادات نویسنده می‌پردازد.

۷- نمایش‌نامه «کور اوغلو چنلی بل»، نوشته بهروز غریب پور، در سال ۱۳۵۸ توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسید. این نمایش‌نامه برداشتی آزاد از افسانه آذربایجانی «کوراوغلو» است. شخصیت‌های این نمایش‌نامه، عبارتند از: دلک، جلا، خان، پاشا،



علی کیشی، تازه وارد ۱ و ۲، کوراوغلو، کچل حمزه، مرد ۱ و ۲، زن و آسیابان.

جمعیت انبوهی در بیرون کاخ خان، به ستایش کوراوغلو مشغولند و از او به عنوان نور چشم فقرا نام می‌برند. دلک نیز در داخل کاخ، به ستایش کوراوغلو می‌پردازد. خان که حرف‌های دلک را می‌شنود، دستور می‌دهد جلا زبان دلک را ببرد. زنی با شتاب وارد صحنه می‌شود و از دلک می‌خواهد نمایش را طور دیگری بازی کنند که پایان

بهتری برای دلک داشته باشد. دلک هم می‌پذیرد و نمایش را نوع دیگری بازی می‌کنند: خان مهمانی به نام پاشا دارد. پاشا به دلیل شوخی‌های نامناسب دلک، ناراحت و عصبانی است. خان برای این که او را خوشحال کند، از علی کیشی می‌خواهد بهترین اسب‌ها را برای او بیاورد تا پاشا اسبی را انتخاب کند. علی کیشی، دو یابوی لاغر به اسم قیرآت و دورآت را می‌آورد و می‌گوید این دو اسب، از میان موج‌های توفانی دریا بر آمده و با دو مادبان نزدیکی کرده‌اند که این دو اسب قیرآت و دورآت، حاصل آن‌ها است. پادشاه عصبانی می‌شود و دستور می‌دهد به علت جسارت علی کیشی، چشم‌های او را از کاسه درآورند. زیرا او جسارت کرده و دو یابوی لاغر را به جای اسب‌های اصیل، نزد وی آورده است. علی کیشی پس از نابینا شدن، همراه قیرآت و دورآت از کاخ بیرون می‌رود و تصمیم می‌گیرد به پسرش، کوراوغلو، نفرت از ظالم و عشق به مردم تهی دست و مظلوم را بیاموزد. علی کیشی علیه خان مبارزه می‌کند و روستاییان، به تحریک او، شورش می‌کنند. خان نیز دستور می‌دهد علی کیشی را بکشند. پس از مدتی قیرآت شهرت بسیاری می‌یابد و کچل حمزه که خودش را کچل حمزه حرامزاده می‌خواند، وقتی می‌شنود با به دست آوردن قیرآت می‌تواند داماد خان شود، به چنلی بل می‌رود و ادعا می‌کند مهتری تواناست که به علت کچل بودن، رانده و آواره شده.

کوراوغلو پسر علی کیشی، به او کمک می‌کند و اجازه می‌دهد در چنلی بل به مهتری مشغول شود، ولی همه اطرافیان کوراوغلو با این کار او مخالفت می‌کنند.

کچل حمزه مشغول تربیت مادیان‌ها می‌شود و در فرصتی مناسب، وقتی نمی‌تواند قیرآت را بدزد، دورآت را می‌دزد و فرار می‌کند. کوراوغلو به دنبال او می‌رود. کچل حمزه خود را به آسیابی می‌رساند و با فریب مرد آسیابان، خود را به شکل او درمی‌آورد. او در فرصتی مناسب، کوراوغلو را هم فریب می‌دهد و قیرآت را با خود می‌برد. کوراوغلو سوار بر دورآت به دنبال او می‌رود. در راه به خانه پیرزنی می‌رسد و مطلع می‌شود که روز بعد، عروسی کچل حمزه و دختر خان است. پیرزن می‌گوید، او هم به عنوان مطرب و آوازخوان می‌تواند به مجلس خان برود و اسبش را پس بگیرد. افراد خان که نمی‌توانند قیرآت را رام کنند، به دستور خان به کوراوغلو اجازه می‌دهند برای قیرآت ساز بزند تا رام شود.

کچل حمزه صدای کوراوغلو را می‌شناسد و به خان اطلاع می‌دهد. خان دستور می‌دهد کوراوغلو را دستگیر کنند، اما کوراوغلو در فرصتی مناسب، سر کچل حمزه را از تنش جدا می‌کند و سوار بر قیرآت، همراه دورآت از خانه خان می‌گریزد و به سوی چنلی بل می‌رود. این نمایش‌نامه، بر پایه حوادث استوار است و کشمکش بین قهرمان و ضد قهرمان، مخاطب را از همان آغاز با خود همراه می‌کند. هم‌چنین، نمایش‌نامه از ساختار نمایشی محکمی برخوردار است و با قصه پیش می‌رود.

**کوتی و موتی  
در قالب طنز  
و با شخصیت‌های  
حیوانی،  
به بیان مسایل  
آموزشی می‌پردازد.  
نمایش‌نامه  
طرح محکم و  
کاملی دارد  
و از عناصر طبیعی،  
برای پیشبرد ماجراها  
به خوبی  
استفاده شده است.**

۸- نمایش‌نامه «میثم تمار، سر، دار»، نوشته هاجر نصر، در سال ۱۳۵۹ توسط انتشارات مفید، در ۳۲ صفحه به چاپ رسیده است. شخصیت‌های آن عبدالله بن زیاد، معرف، میثم تمار، ۳ مأمور، غلام، نامه‌رسان، سالم، عبدالله، گوینده و کارگردان نمایش هستند. میثم تمار، توسط معرف دستگیر می‌شود و به نزد عبدالله بن زیاد می‌رود. ابن زیاد او را به مرگ تهدید می‌کند تا از طرفداری حضرت علی(ع) دست بردارد. میثم تمار می‌گوید حضرت علی(ع) به او گفته است که توسط ابن زیاد، همراه نه نفر دیگر بر بام خانه عمرو بن الحریث به دار آویخته خواهد شد. ابن زیاد عصبانی می‌شود و برای این که پیش‌بینی حضرت علی(ع) درست درنیاید، تصمیم می‌گیرد میثم تمار را به گونه‌ای دیگر بکشد. میثم به زندان می‌رود. در آن جا ابو عبیده ثقفی را می‌بیند و به او مژده می‌دهد که طبق گفته حضرت علی(ع) از زندان آزاد خواهد شد و به خونخواهی سیدالشهدا، پسر زیاد را خواهد کشت.



نام‌های از طرف یزید به دست ابن زیاد می‌رسد که در آن دستور داده است میثم را در ملأ عام بردار کنند. ابن زیاد هم به ناچار همین کار را انجام می‌دهد. سالم و عبدالله، شبانه جنازه میثم را از بالای دار برمی‌دارند و پنهانی در یک باغ دفن می‌کنند.

۹- مجموعه نمایش‌نامه‌های «خیابان، کلاس انقلاب»، نوشته مرتضی جزایری، در زمستان ۱۳۵۹ توسط انتشارات گورکی به چاپ رسید. این مجموعه شامل هفت نمایش‌نامه، با موضوع‌های انقلاب اسلامی و مبارزه علیه ظلم است.

اولین نمایش‌نامه این مجموعه، به نام «خیابان، کلاس انقلاب»، در یک صحنه و ۳ صفحه نوشته شده است. شخصیت‌های این نمایش‌نامه، علی (دانش‌آموز ۱۰ - ۱۱ ساله) و چند کودک همسن او هستند.

در خیابانی که سطح آن پوشیده از پاره آجر و چند لاستیک در حال سوختن است، با بچه‌های

مدرسه، کتاب در دست با صدای بلند شعار می‌دهند. با شعار آن‌ها صدای شلیک چند تیر شنیده می‌شود. بچه‌ها پراکنده می‌شوند، اما علی در حالی که عکس شاه را در دست دارد، به طرف آتش می‌دود و عکس را درون آتش می‌اندازد. در همین حال، شعار مرگ بر شاه سر می‌دهد. بچه‌هایی که مخفی شده‌اند، همزمان با صدای شلیک گلوله، با فریاد شعار می‌دهند؛ به طوری که صدای شلیک گلوله‌ها در صدای فریاد آن‌ها گم می‌شود.

هر هفت نمایش‌نامه این مجموعه، مانند همین نمایش‌نامه، بیشتر در حد یک طرح ساده باقی می‌ماند و بدون پیچیدگی، شخصیت‌پردازی و کشمکش دراماتیک، فقط به بیان مسایل شعاری و اعتقادی می‌پردازند. این نمایش‌نامه‌ها بیشتر شبیه یک بیانیه انقلابی، برای تحریک مردم هستند.

● دومین نمایش‌نامه این مجموعه، با نام «توپ، تانگ، مسلسل، دیگر اثر ندارد» نیز در یک صحنه و دو صفحه نوشته شده است. از شخصیت‌های این نمایش‌نامه نیز گروهی کودک و نوجوان ۱۵-۱۰ ساله است.

سطح خیابان پوشیده از موزاییک شکسته و آجر است و هم‌چنین بقایای لاستیک سوخته نیز به چشم می‌خورد. از دور صدای شعارهای مردم شنیده می‌شود. گروهی از تظاهرکنندگان، در حال شعار



دادن وارد صحنه می‌شوند. همزمان صدای شلیک گلوله‌ها افزایش می‌یابد. گلوله‌ای به یکی از تظاهرکنندگان برخورد می‌کند و دیگران او را روی شانه بلند می‌کنند. کودکی با یک شاخه گل وارد صحنه می‌شود، گل را روی خون‌های ریخته شده کف خیابان می‌گذارد و در حالی که شعار «توپ، تانگ، مسلسل، دیگر اثر ندارد» سر می‌دهد، به دنبال تظاهرکنندگان از صحنه خارج می‌شود.

● «رویش»، سومین نمایش‌نامه این مجموعه، در یک صحنه و دو صفحه نوشته شده است. سروان ارتش و چند سرباز، شخصیت‌های آن هستند. مکان، خیابانی پوشیده از پاره آجر و سنگ و فضا کدر و تاریک است. سروان

و چند سرباز، با صلاح آمریکایی در خیابان، وسط صحنه ایستاده‌اند و وحشت در چهره آن‌ها دیده می‌شود. صدای گروهی از مردم، در حال شعار دادن شنیده می‌شود.

سروان پی در پی دستور شلیک می‌دهد. سربازان نیز هر بار به طرف صدا نشانه می‌روند، اما صداها بلندتر می‌شود؛ به طوری که سروان عصبی می‌شود و می‌گوید هر چه بیشتر مخالفان را می‌کشند، تعدادشان بیشتر می‌شود.

● «خشم توده‌ها»، چهارمین نمایش‌نامه این مجموعه، در یک صحنه و ۲ صفحه نوشته شده است. یک کودک، نوجوان، ساواکی و گروهی از مردم شخصیت‌های این نمایش‌نامه هستند.

گروهی از مردم، در حال تظاهرات شعار اتحاد، مبارزه و پیروزی را سر می‌دهند. بیشتر تظاهرات‌کنندگان، کودکان و نوجوانان هستند. در میان جمعیت یک نوجوان، مرد چاقی را به دوستش نشان می‌دهد و سپس به سمت مرد چاق می‌رود و با فریاد می‌گوید که او ساواکی است و اسلحه دارد. مرد می‌ترسد و با اسلحه‌اش آن‌ها را تهدید می‌کند. نوجوان به طرف او حمله می‌کند، گلوله‌ای شلیک می‌شود و نوجوان روی زمین می‌افتد. ساواکی چند تیر هوایی شلیک می‌کند تا بتواند فرار کند، اما یک جوانی پای خود را مقابل او قرار می‌دهد و ساواکی را زمین می‌زند. مردم اسلحه او را برمی‌دارند تا او را بکشند، اما گلوله‌های آن تمام شده است. مردم با مشت و لگد به او حمله می‌کنند و سپس

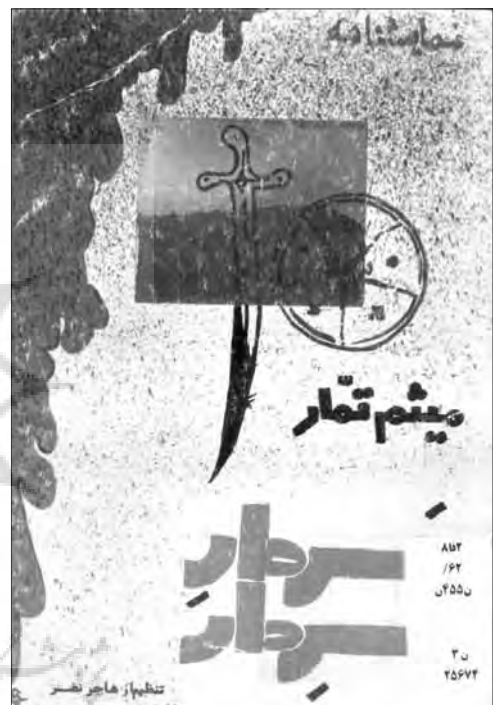
**کور اوغلی چنلی بل،  
بر پایه حوادث  
استوار است و  
کشمکش بین قهرمان  
و ضد قهرمان،  
مخاطب را  
از همان آغاز  
با خود همراه می‌کند.  
هم‌چنین،  
نمایش‌نامه  
از ساختار نمایشی  
محکمی برخوردار است  
و با قصه  
پیش می‌رود.**

کودکی با یک بیت نفت وارد می‌شود و مردم، فرد ساواکی را آتش می‌زنند. این نمایش‌نامه، علاوه بر مواردی که برای دیگر آثار این مجموعه ذکر شده، خشونت زیاد انقلابیون را روی صحنه نمایش می‌دهد.

● پنجمین نمایش‌نامه از این مجموعه، «قبل از طلوع» نام دارد که در یک صحنه و ۲ صفحه نوشته نشده است و شخصیت‌های آن جوان، افسر، گروهبان و چند سرباز هستند. صحنه، میدان وسیع و بی‌آب و علفی است. در وسط این میدان، درختی خشک و تناور قرار دارد که تنه آن پوشیده از زخم گلوله است. یک اتومبیل نظامی داخل صحنه می‌شود و سربازان، جوانی را با دست‌های بسته پیاده می‌کنند و به سمت درخت می‌برند. آن‌ها دست‌های او را از پشت به درخت می‌بندند، اما جوان اجازه نمی‌دهد چشم‌هایش را ببندند. سربازان آماده شلیک گلوله می‌شوند، اما قبل از دستور گروهبان، جوان خودش فریاد می‌زند «آتش!» شلیک چند گلوله، سینه جوان را می‌شکافد. افسر سربرمی گرداند و گروهبان در نهایت ناباوری، دهانش را که برای فرمان «آتش» بازمانده، می‌بندد.

● ششمین نمایش‌نامه این مجموعه، با نام «صدای آن‌ها شلیک تیرها را خفه کرد» نیز در یک صحنه و دو صفحه نوشته شده است. شخصیت‌های این نمایش‌نامه، چند کودک و نوجوان هستند و مکان وقوع نمایش خیابان است.

چند نوجوان در خیابان ایستاده‌اند. از دور صدای شعار تظاهرکنندگان شنیده می‌شود. آن‌ها در حالی که فریاد می‌زنند «برادر شهیدم راهت ادامه دارد...» وارد صحنه می‌شوند. نوجوانی خشمگین و عصبانی، با صدای بلند برای حاضران صحبت می‌کند. او درباره احمد، یکی از دوستانش که آرزو داشت روزی اختلاف بین فقیر و غنی از بین برود و هم‌چنین از مبارزات او با سرمایه‌داری صحبت می‌کند. در همان لحظه، صدای شلیک چند گلوله شنیده می‌شود، اما تظاهرکنندگان با صدایی بلندتر، شعار خود را فریاد می‌زنند و صدای



گلوله‌ها را محو می‌کنند.

● هفتمین و آخرین نمایش‌نامه این مجموعه، «تا قیام» نام دارد که در نه صحنه و چهار صفحه نوشته شده است. شخصیت‌های آن جوان، نوجوان، کارگر، دختر، دو کودک ۱۳ و ۱۴ ساله، پاسبان و گروهی کودک و نوجوان دیگر هستند.

این نمایش‌نامه، صحنه‌های گوناگونی از نوشتن شعار با رنگ اسپری را توسط افراد مختلف جامعه نشان می‌دهد. آن‌ها اگر چه می‌ترسند، شعارهای بسیاری علیه شاه بر دیوار می‌نویسند و بعضی از آنان نیز کشته می‌شوند. دو کودک گل سرخی کنار عکس امام خمینی (ره) قرار می‌دهند. دو پسر بچه، روی اسم خیابان رنگ اسپری می‌ریزند و نام خیابان را به خمینی (ره) تغییر می‌دهند. در پایان، تظاهرکنندگان تنها راه‌هایی را جنگ مسلحانه می‌دانند و با شعار، این عقیده را بیان می‌کنند.

هر هفت نمایش‌نامه این مجموعه، ساختاری مشترک برخوردار است. همه آن‌ها در حد یک طرح ساده باقی مانده‌اند و بیشتر از آن که دیالوگ، شخصیت‌پردازی، کشمکش و دیگر عناصر دراماتیک اهمیت داشته باشد، مضمون و اندیشه حاکم بر اثر اهمیت می‌یابد.

هر هفت خیابان، کلاس  
انقلاب این مجموعه،  
مانند نمایش‌نامه اول،  
بیشتر در حد یک طرح  
ساده باقی می‌مانند  
و بدون پیچیدگی،  
شخصیت‌پردازی و  
کشمکش دراماتیک،  
فقط به بیان مسایل  
شعاری و اعتقادی  
می‌پردازند. این نمایش-  
نامه‌ها بیشتر شبیه  
یک بیانیه انقلابی،  
برای تحریک مردم  
هستند.